

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن گجی‌ها: ۰۲۶۱۱۹۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوبن
تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چسب: صمیم

شترت

دوشنبه ۸ تیر ۱۴۰۵ • ۱۴ محرم ۱۴۴۸ • ۲۹ ژوئن ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۱۹ • صفحه ۸

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۳:۰۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۲

شبکه‌خوانی

امیدی که تبدیل به حسرت شد

بررسی احساسات کاربران تلگرام از سه بازی تیم ملی در جام جهانی با سه نمودار در امتداد منتشر شده است.

طبق این تحلیل پس از سه مسابقه ایران مقابل نیوزیلند، بلژیک و مصر در جام جهانی، درمجموع بیش از ۱۸۹ هزار بست تلگرامی با بیش از ۵۰۰ میلیون بازدید و حدود ۵.۵ میلیون واکنش منتشر شد. اما بررسی داده‌ها نشان می‌دهد رفتار کاربران در هر سه مسابقه یکسان نبوده و متناسب با روند و نتیجه هر بازی تغییر کرده است.

در بازی اول یعنی مسابقه با نیوزیلند، از امید تا تردید روند احساسی کاربران بوده است. نخستین مسابقه ایران با انتظارات زیادی همراه بود. اما تیم ملی با نمایشی نه‌چندان امیدوارکننده متوقف شد. همین موضوع در داده‌های تلگرامی نیز دیده می‌شود. این مسابقه با وجود ثبت حدود ۱۰۰۵ میلیون واکنش، عمدتا در همان ساعات ابتدایی و حین بازی مورد توجه قرار گرفت و پس از پایان مسابقه، حجم واکنش‌ها به سرعت کاهش یافت و پرونده بازی نسبتاً زود بسته شد.

اما بازی دوم یعنی مسابقه با بلژیک نحوه بازی به شکلی بود که توانست رضایت کاربران از یک مساوی سخت را به همراه داشته باشد. بلژیک دشوارترین حریف ایران در مرحله گروهی بود که در آن گل طارمی با تصمیم VAR مردود شد و بیرانوند توانست دروازه را بسته نگه دارد. به همین خاطر جریان مسابقه باعث شد احساسات کاربران چندین بار تغییر کند؛ داده‌ها نیز همین فراز و فرود را منعکس می‌کنند. تعداد واکنش‌ها نسبت به بازی اول حدود ۶۵ درصد افزایش یافت و به ۱.۷۳ میلیون رسید. اما نکته مهم‌تر این است که تقریباً همه این واکنش‌ها و

در زمان برگزاری مسابقه متمرکز شده‌اند. به نظر می‌رسد کاربران این بازی را به عنوان یک رقابت دشوار و نسبتاً رضایت‌بخش ارزیابی کرده‌اند و بحث‌ها پس از پایان بازی ادامه پیدا نکرد. اما بازی با مصر، اوج حسرت برای کاربران بود. پتانلی از دست‌رفته طارمی، ردشدن گل دقیق پایانی توسط VAR، برخورد توپ به تیر در واپسین لحظات،

حذف ایران از جام و در ادامه صحبت‌های احساسی رامین رضاییان، مجموعه‌ای از اتفاقات را رقم زد که احساسات کاربران را به‌شدت درگیر کرد. با اینکه تعداد پست‌های منتشرشده تقریباً برابر با بازی بلژیک است، مجموع واکنش‌ها به ۲.۷ میلیون می‌رسد؛ یعنی نزدیک به یک میلیون واکنش بیشتر از مسابقه قبل. بنابراین افزایش تعامل کاربران صرفاً ناشی از تولید محتوای بیشتر نبوده، بلکه هر پست به طور متوسط واکنش بسیار بیشتری دریافت کرده است. برخلاف دو مسابقه قبلی، موج واکنش‌ها با پایان بازی فروکش نمی‌کند؛ بلکه تا ساعت‌ها پس از این مسابقه همچنان در سطحی بسیار بالا ادامه دارد. این یعنی کاربران درباره تصمیم‌های VAR، موقعیت‌های از دست‌رفته، حذف ایران و صحبت‌های احساسی بازیکنان نیز به‌گفت‌وگو ادامه داده‌اند. در هر سه مسابقه، ایموجی که اشاره به طنز داشت با سهم حدود ۴۴ تا ۴۶ درصد، پرتکرارترین واکنش بوده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد کاربران تلگرام حتی در فضای فوتبالی نیز از طنز، کنایه و شوخی به عنوان رایج‌ترین شیوه واکنش استفاده می‌کنند. بخشی از این واکنش‌ها نیز ناشی از خوشحالی منتقدان تیم ملی از ناکامی این تیم بوده است. در کنار این ایموجی، ایموجی‌های قلب و مشت نیز در حمایت از تیم ملی از پرتکرارترین ایموجی‌ها بود و ۲۵ درصد ایموجی‌ها را تشکیل داد.

اما در بازی مصر سهم قلب شکسته از حدود دو تا سه درصد در دو مسابقه نخست، به بیش از هفت درصد در بازی با مصر می‌رسد که نشان می‌دهد بخش بزرگی از کاربران نیز حذف ایران را به‌عنوان یک شکست تلخ و عاطفی تجربه کرده‌اند.

در ارسن میان بسیاری نیز از ایموجی خنده استفاده کرده بودند که نشان می‌داد از حذف تیم ملی خوشحال و خرسند شده‌اند. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که فضای تلگرام در این مسابقه بیش از هر زمان دیگری دوقطبی و احساسی شده است؛ گروهی به استقبال حذف تیم ملی رفتند و گروهی دیگر نسبت به حذف تلخ ایران، تصمیم‌های VAR و فرصت‌های از دست‌رفته واکنشی همراه با اندوه و حسرت نشان می‌دهند. درمجموع، داده‌ها حکایت از آن دارد که تلگرام تنها محل واکنش به یک مسابقه فوتبال نیست؛ بلکه بستری است که در آن هیجان ورزشی، احساسات ملی و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی به طور هم‌زمان خود را در قالب واکنش‌ها و الگوی مشارکت کاربران نشان می‌دهند.

بی‌تردید نبود کمترین شکلی از سیستم ارجاع، یکی از اساسی‌ترین مشکلات سیستم سلامت کشور است. این فقدان، به همراه وجود بیمه‌های سراسری ناتوان که ادعای «بیمه همه‌جیز» را به یبایی اوزان و به کمک سیستم دولتی ناکارآمد دارند، مثل آتشی است که بر زیرانداز پوسیده سیستم سلامت کشور افتاده باشد. هیچ چیز مانند چند مثال عینی موضوع را روشن نمی‌کند. اگر شما ایرانی‌ای باشید که اخیراً به کانادا مهاجرت کرده‌اید، احتمالاً گمان می‌کنید برای هر مشکل جزئی ابتدا باید ام‌آرای بگیری. سیستم بیمه و ارجاع کانادا تا زمانی که مشکل جدی نباشد برای شما ام‌آرای نمی‌نویسد. البته می‌توانید آزاد بگیری. در در صورت آن، اگر بلیت بخريد و به تهران بیایید، می‌توانید بدون مراجعه به پزشک به مرکز ام‌آرای بروید و از هر جایی از بدنتان، به هر تعداد، ام‌آرای بگیری. هزینه سفر و اقامت و ام‌آرای شما باز هم به‌مراتب از هزینه ام‌آرای آزاد در کانادا کمتر خواهد بود. بنده و بسیاری از متخصصان، ساعات طولانی از وقت خود را صرف ویزیت بیمارانی می‌کنیم که اساساً با نیازی به هیچ پزشکی نداشته‌اند، یا باید به متخصص دیگری مراجعه می‌کرده‌اند و… در حال حاضر، کشور از نظر سیستم ارجاع در بدترین حالت ممکن به سر می‌برد. وزارت بهداشت و سیستم سلامت گاهی متوجه این نقیصه جدی می‌شوند و عزم اصلاح آن را می‌کنند. وقتی اجرای برنامه به دلیل نداشتن درکی از عمق مشکلات سلامت شکست خورد، یا در بهترین حالت به نسخه‌های از عمق مشکلات ارجاع در مراکز درمانی دولتی تبدیل می‌شود -که بارها شده است- مایوسانه سر به کار خود می‌گیرند و تا مدتی خبری نمی‌شود. گاه حتی ممکن است به این نتیجه برسند که اساساً سیستم ارجاع چیز خوبی هم نیست. هدف از این یادداشت، اشاره به ریشه‌های اشکالات نگرش‌ای است که به‌طور سنتی برنامه‌های ارجاع و پزشک خانواده را ناکام می‌گذراند؛ البته به قدر وسیع و تجریه‌به تجریه که ضروری ناقص و ناکافی‌اند.

● اولین نکته آن است که وزارت بهداشت، تلاش می‌کند برای چیزی

برنامه بریزد که تحت کنترل و اداره او نیست. برنامه‌ریزی را بالا مهم‌ترین عامل رهاشدن مهار سلامت از دست وزارت بهداشت بوده است، چراکه دولت مکانیسم‌های واقعاً موجود در عرضه خدمات مثل عرضه و تقاضا و مسائل فرهنگی را به رسمیت نمی‌شناخت.

● دومین نکته مهم آن است که وزارت بهداشت هیچ تحلیلی از وضعیت

موجود ندارد. اطلاعاتی در مورد هزینه-فایده خدمات سلامت و علل این بحران‌ها نه‌تنها وجود ندارد، بلکه ضرورت آن هم جا نیفتاده است. ● پروتکل یا دستورالعملی هم که وزارت بهداشت اخیراً منتشر کرده، بیشتر شبیه توصیف یا آرزوی یک سیستم ایدئال است تا راهکاری برای رسیدن به آن.

● باورکردنی نیست، اما هستند مهندسانی که به جای طراحی نقشه ساختمان، برآورد هزینه‌های آن، محاسبه مقاومت مصالح و بررسی خصوصیات زمین، تنها به توصیف خانه بر ساخته و تمام‌شده اکتفا می‌کنند.

البته نه در ساخت خانه، بلکه در طراحی سیستم ارجاع!

سیستم سلامت زیر بار سنگین هزینه‌هایی است که نوعی یوپولیسم درمانی بسر او تحمیل می‌کند. انواع اقدامات غیرضروری، آزمایش‌ها و بررسی‌های ظاهرا ارزان فله‌ای و نیازهایی قالبی که یک نمونه آن را -ام‌آرای و کانادا - ذکر کردم. در مقابل در چنین شرایطی دستورالعمل منتشرشده وزارت بهداشت خواستار پوششش بیمه برای همه مردم و همه خدمات می‌شود. بدون کوچک‌ترین سطح‌بندی و جدکردن خدمات ضروری‌تر به شکل مشخص.

آنچه سطح دو و سه خوانده می‌شود، شامل بیمارستان‌هایی است که دچار مشکلات و کمبودهای فراوان هستند و پزشکانی که نه‌تنها به دلیل تعرفه پایین بلکه بیش از آن به دنبال جایی برای فعالیت درمانی و آموزشی علمی در سواد مهاجرت هستند و این شغل را شغلی دائمی که در ازای آن حقوق و آینده‌ای مطمئن دریافت کنند به حساب نمی‌آورند. بخش اعظم کار نیز توسط پزشکان دستیار انجام می‌شود که نه با قوانین استخدامی انسانی،



در پی افزایش آلودگی در جنوب استان کیلان ناشی از وجود معادن و کارخانه‌های صنعتی مستقر در منطقه و با توجه به اثرات ناشی از این آلودگی بر مقره‌های خط ۴۰۰ کیلولت نیروگاه کیلان-نیروگاه شهید رجایی، عملیات تعویض و شست‌وشوی مقره‌های آلوده در پنج گروه کاری انجام شد. اجرای این اقدام نقش مهمی در افزایش قابلیت اطمینان خط و پیشگیری از بروز هرگونه حوادث احتمالی و بهبود شرایط بهره‌برداری داشته است. عکس: الهه فلاح، باشگاه خبرنگاران جوان

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

پزشک خانواده یا سیستم ارجاع



بابک زمانی

نورولوژیست

موجود ندارد. اطلاعاتی در مورد هزینه-فایده خدمات سلامت و علل این بحران‌ها نه‌تنها وجود ندارد، بلکه ضرورت آن هم جا نیفتاده است.

● پروتکل یا دستورالعملی هم که وزارت بهداشت اخیراً منتشر کرده، بیشتر شبیه توصیف یا آرزوی یک سیستم ایدئال است تا راهکاری برای رسیدن به آن.

● باورکردنی نیست، اما هستند مهندسانی که به جای طراحی نقشه ساختمان، برآورد هزینه‌های آن، محاسبه مقاومت مصالح و بررسی خصوصیات زمین، تنها به توصیف خانه بر ساخته و تمام‌شده اکتفا می‌کنند.

البته نه در ساخت خانه، بلکه در طراحی سیستم ارجاع!

سیستم سلامت زیر بار سنگین هزینه‌هایی است که نوعی یوپولیسم درمانی بسر او تحمیل می‌کند. انواع اقدامات غیرضروری، آزمایش‌ها و بررسی‌های ظاهرا ارزان فله‌ای و نیازهایی قالبی که یک نمونه آن را -ام‌آرای و کانادا - ذکر کردم. در مقابل در چنین شرایطی دستورالعمل منتشرشده وزارت بهداشت خواستار پوششش بیمه برای همه مردم و همه خدمات می‌شود. بدون کوچک‌ترین سطح‌بندی و جدکردن خدمات ضروری‌تر به شکل مشخص.

آنچه سطح دو و سه خوانده می‌شود، شامل بیمارستان‌هایی است که دچار مشکلات و کمبودهای فراوان هستند و پزشکانی که نه‌تنها به دلیل تعرفه پایین بلکه بیش از آن به دنبال جایی برای فعالیت درمانی و آموزشی علمی در سواد مهاجرت هستند و این شغل را شغلی دائمی که در ازای آن حقوق و آینده‌ای مطمئن دریافت کنند به حساب نمی‌آورند. بخش اعظم کار نیز توسط پزشکان دستیار انجام می‌شود که نه با قوانین استخدامی انسانی،

تحلیل خوانی

سه سانتی‌متر؛ فاصله‌ای که فقط روی خط آفساید نبود



مهدی افشارنیک

نزدیکی قله می‌رساند؛ یک بار با پالتی، یک بار با تیر دروازه، یک بار با قرعه سخت و این بار، با سه سانتی‌متر. انکار که تقدیر، عاشق تکرار این بازی سیزینی است. اما مسئله فقط بدشانسی نیست. بدشانسی، همیشه در خلا اتفاق نمی‌افتد. کامو می‌گوید که در دل پوچی، باید شوریده؛ اما شورش، وقتی معنا دارد که ساختار شوریدنی، قابل تشخیص باشد. اینجا، ساختار، چیزی فراتر از یک تصمیم داورمی است. مارتین هایدگر اصطلاحی دارد به نام «پرتاب‌شدگی». انسان در جهانی پرتاب می‌شود که خودش آن را انتخاب نکرده است. تیم ملی ایران هم سال‌هاست در موقعیتی بازی می‌کند که همه آن را خودش نساخته؛ از فشارهای سیاسی و محدودیت‌های بین‌المللی تا مهجرت از همه، شکافی که میان بخشی از جامعه و نمادهای رسمی کشور ایجاد شده است. بازیکنان، الزام سازنده این وضعیت نیستند، اما ناچارند بار آن را بر دوش بکشند. هایدگر از «حقیقت پنهان» می‌گوید: این سه سانتی‌متر، حقیقتی را افشا کرد که هیچ‌کس نمی‌خواست ببیند؛ که ایزراه‌ای مدرن تصمیم‌گیری (VAR)، آفساید میلی‌متری) وقتی در بستر یک جامعه شکاف‌خورده قرار می‌گیرند، خودشان به ابزار طرد تبدیل می‌شوند. نه به این دلیل که اشتباه می‌کنند، بلکه به این دلیل که در یک بستر بی‌اعتماد، هر تصمیمی، «بی‌عدالتی از پیش ساخته» تعبیر می‌شود. در چنین شرایطی، حتی اما در سطح جامعه، به معنای با مردم بودن و برای مردم بودن. کامو در «افسانه سیزیف» از انسانی حرف می‌زند که محکوم است سنگی را تا قله کوه بالا ببرد و درست در آستانه رسیدن، سنگ دوباره به پایین سقوط کند. اما عظمت سیزیف در همین است که دوباره از پایین شروع می‌کند؛ با لبخند، با آگاهی، با شورش. روایت فوتبال ایران هم سال‌هاست بی‌شباهت به همین نیست. هر نسل، سنگ را تا

یادداشت

الزام خصم

چرا فهمیدن مخالف از شکست‌دادنش مهم‌تر است؟

علی مرسلی

جندی پیش، اتفاقی در متنی با اصطلاحی فقهی و حقوقی به نام «الزام خصم» روبه‌رو شدم. معنایش را نمی‌دانستم و پس از جست‌وجویی کوتاه، به نتایجی رسیدم که ذهنم را بیش از آنچه انتظار داشتم درگیر کرد. در نگاه اول، این عبارت صرفاً یک اصطلاح تخصصی به نظر می‌رسید. اما هرچه بیشتر درباره‌اش فکر کردم، دیدم می‌تواند دریچه‌ای باشد برای فهم شیوه‌های مواجهه با اندیشه‌های رقیب؛ نه‌فقط در فقه و حقوق، بلکه در سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ. این اصطلاح دست‌کم در سه معنا به کار می‌رود. در آیین دادرسی، به معنای وااداشتن طرف دعوا به ارائه سند یا مدرکی است که خود در اختیار دارد. در فقه، به معنای داوری درباره طرف مقابل بر اساس قواعد و مبانی مورد قبول خود اوست. و در منطق و علم جدل، به معنای ابطال استدلال رقیب از طریق آشکارکردن تناقض‌های درونی دستگاه فکری‌اش است؛ یعنی نقد او با همان

مقدماتی که خودش می‌پذیرد. آنچه بیش از همه توجهم را جلب کرد، اشتراک معنای دوم و سوم بود. در هر دو، شرط موفقیت فقط مهارت در استدلال نیست؛ پیش از درون شناسخت، نمی‌توان یک مارکسیست را با روش الزام خصم نقد کرد. مگر آنکه مارکسیسم را خوانده، فهمیده و منطق درونی آن را دریافته باشی. همین قاعده

درباره لیبرالیسم، اسلام، ناسیونالیسم و هر منظومه فکری دیگری نیز صادق است. این همان چیزی است که امروز بیش از هر زمان دیگری کمیاب شده. جهان معاصر، به‌ویژه در فضای شبکه‌های اجتماعی، بر دوقطبی‌ها استوار است. مرزهای هویتی دقیق‌ترین تفکرها اغلب از دل عمیق‌ترین فهم‌ها بیرون آمده‌اند. نمونه‌ای که ارزش مخالف را نمی‌خوانیم، بلکه اساساً او را شباهت خواندن نمی‌دانیم. نتیجه آن است که نقد جای خود را به برجس‌بازی می‌دهد و مواجهه فکری به حذف نامدین یا واقعیتهای تقلیل پیدا می‌کند. تاریخ اما نشان می‌دهد دقیق‌ترین تفکرها اغلب از دل عمیق‌ترین فهم‌ها بیرون آمده‌اند. نمونه‌ای که ارزش مخالف را نمی‌خوانیم، بلکه اساساً او را شباهت خواندن نمی‌دانیم. نتیجه آن است که نقد جای خود را به برجس‌بازی می‌دهد و مواجهه فکری به حذف نامدین یا واقعیتهای تقلیل پیدا می‌کند. تاریخ اما نشان می‌دهد دقیق‌ترین تفکرها اغلب از دل عمیق‌ترین فهم‌ها بیرون آمده‌اند. نمونه‌ای که ارزش مخالف را نمی‌خوانیم، بلکه اساساً او را شباهت خواندن نمی‌دانیم. نتیجه آن است

شعبه با مارکسیسم در دهه‌های پیش از انقلاب ۱۳۵۷ است. آنان به صرف نفی مارکسیسم بسنده نکردند؛ آتارش را خواندند، مفاهیمش را فهمیدند و کوشیدند که درون همان چارچوب، با اسلامی‌کردن آن مفاهیم، به نقدش بپردازند. حاصل این

مواجهه فقط رد یک ایدئولوژی نبوده، این تعامل فکری به تقویت و نظام‌مندشدن بخشی از اندیشه سیاسی اسلامی نیز انجامید. البته انقلاب ۱۳۵۷ برآیند مجموعه‌ای پیچیده از عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود و نمی‌توان آن را

به این مواجهه فکری فروکاست. اما نقش این تعامل در شکل‌گیری ادبیات ایدئولوژیک آن دوره انکارناپذیر است. در نقطه مقابل، نوعی دیگر از مواجهه وجود دارد که اساساً نیازی به شناخت رقیب احساس نمی‌کند. شعارهایی از جنس «مرگ بر…» نماینده این رویکردند. هدف در نگاه نه فهمیدن است و نه مجاب‌کردن؛ هدف حذف است. اندیشه مخالف نه موضوع گفت‌وگو، بلکه موضوع نابودی تلقی می‌شود. از این منظر، حتی پدیده‌هایی مانند «نواب‌سازی» هم قابل تأمل‌اند. این فرایند هرچند با اجبار و خشونت همراه بوده، دست‌کم بر این فرض استوار است که ذهن انسان قابل تغییر است. یعنی نظام ایدئولوژیک ناگزیر است وارد نوعی درگیری با اندیشه رقیب شود و بکوشد آن را درگیر کند. برخی نظام‌های تمامیت‌خواه اما اصلاً چنین تلاشی نمی‌کنند و یکسره حذف فیزیکی یا اجتماعی را دنبال می‌کنند. تغییردادن، هرچند به شیوه‌ای ناپذیرفتنی، مستلزم به‌رسمیت‌شناختن وجود یک اندیشه است؛ حذف، حتی این حداقل را هم لازم نمی‌داند. به همین دلیل است که الزام خصم را می‌توان نوعی مزیت شناختی دانست. دستگاه فکری که بتواند رقیب خود را دقیق‌تر بخواند و از درون منطق او نقدش کند، معمولاً انعطاف‌پذیرتر، ماندگارتر و سازگارتر با تحولات زمان خواهد بود. با این حال نباید این توانایی را با روش علمی یکی گرفت. الزام خصم، هرچند ابزار قدرتمندی در مناظره و رقابت ایدئولوژیک است، جایگزین علم نیست. علم بر مشاهده، آزمون، امکان ابطال و داوری مستقل استوار است، نه بر پذیرش یا رد پیش‌فرض‌های طرف مقابل. شاید مهم‌ترین درس الزام

خصم برای اکنون این باشد که فهمیدن مخالف، الزاما به معنای پذیرفتن او نیست. گاهی دقیق‌ترین نقد فقط زمانی ممکن می‌شود که ابتدا بتوانیم جهان را، هرچند برای لحظه‌ای کوتاه، از چشم رقیب ببینیم.

۱۰ دقیقه

جو بایدن در سخنرانی ۱۰دقیقه‌ای خود در مراسم حزب دموکرات مریلند با شعار «مبارزه کن و پیروز شو» درباره دلیل علاقه ترامپ به ریاست‌جمهوری گفت او تاکنون میلیاردها دلار از سمت خود درآمد و پول کسب کرده است.

۳۷۵ زلزله

طبق آخرین گزارش در خرداد امسال ۳۷۵ بار ایران لرزیده است. در مجمع پنج زمین‌لرزه با بزرگی بالاتر از چهار ریشتر در کشور و نواحی مرزی ثبت کرده‌اند. ۹ زلزله در تهران بوده و استان‌های کرمان با ۴۲ زمین‌لرزه، خراسان رضوی با ۴۰ زمین‌لرزه و ایلام با ۳۷ زمین‌لرزه جزو لرزه‌خیزترین استان‌های کشور بوده‌اند.

۴۴ درجه

موج گرمای ۴۴درجه‌ای اروپا شبکه برق فرانسه، ایتالیا، انگلیس و اسپانیا را بحرانی کرد و برق صدها هزار خانوار را قطع کرد. این بحران همراه با مختل‌شدن حمل‌ونقل ریلی و تهدید کشاورزی، میلیاردها دلار خسارت به اقتصاد زاره زده است. پیش‌بینی می‌شود حداقل ۱۵۰ میلیون نفر تحت تأثیر این گرمای شدید قرار بگیرند.